

سلوک مدیران

وکیل دکتر رضا مقصودی

اهمیت توجه به اخلاق مدیران بیشتر از آن جهت است که قدرت و امکانات برای آنها بیش از دیگران فراهم است، لذا اگر نیروهای بازدارنده نباشد، خطر انحراف خود و زیرمجموعه را به دنبال خواهد داشت که: «انّ الانسان لیطغی ان رآه استغنی»

لذا در این نوشتار سعی شده است مختصری از اوصاف و خصائل مدیران شمرده شود:

۱- بی توجهی به عنوان

عنوان سازی و عنوان پروری و اسارات در القاب و عناوین آفتی است که گوئی گریبان فرهنگ اجتماعی ما را رها نمی کند و این ریشه در تاریخ اجتماعی ما دارد، چرا که برخورداری از عناوینی چون میرزا، خان، مشهدی، کربلانی، حاجی و امثال آن که در زمان حاضر جای خود را به القابی نظیر: دکتر، پروفسور، ریاست فلان و مانند آن داده است؛ در دنیای مدرن جایگاهی ندارد. گذشته از آنکه در مغرب زمین بعکس اینجا استفاده از القاب و عناوین مراتبی دارد و هر کس نمی تواند از هر عنوانی آن جور که دلش می خواهد استفاده کند از همه این ها مهم تر اینست که عناوین علمی، قبل از عناوین شغلی قرار می گیرند. "اگر کسی با مدرک دکتری و حتی پروفسوری به مقامی مثل سفارت یا وزارت برسد، دیگر از عناوین علمی خود استفاده نمی کند. مثلاً نمی گویند آقای پروفسور دکتر هنری کسینجر استاد دانشگاه هاروارد یا پروفسور دکتر زیگنیو برژنسیکی استاد دانشگاه پرینستون. چرا؟ چون این افراد از مرحله داشتن مقام دانشگاهی گذشته و پا به مرحله های اجرایی بالا گذاشته و این مقامات ارجح است. همین قاعده در مورد مقامات مذهبی مثل کشیش، کاردینال، اسقف و بالاتر از آن هم حاکم است." (علی اکبر عبدالرشیدی)

لذا میل مفرط ما ایرانیان به استفاده از این القاب و عناوین به رغم منسوخ شدن آن در دنیای مدرن نوعی آسیب فرهنگی است که چون سایر آفات نیازمند درمان است.

۲- نداشتن و نخواستن

داشتن و خواستن دو عامل تبه کننده در قبول هر مسئولیت است. داشتن آدمی را محافظه کار و ترسو و خواستن او را بزدل و چاپلوس می کند. روئین تن شدن در برابر این دو ذمیمه رمز پایداری و بقاء در تحقق نقش های بی بدیل وکالت است. آنکه دغدغه سرنوشت وکالت را دارد، باید در برابر این دو وسوسه خطیر و قوی خود را روئین تن کند.

۳- گستره مسئولیت

با توجه به مسئول بودن مدیران، مهم ترین حوزه مسئولیت آنان انتخاب و انتصاب افراد شایسته در مجموعه مسئولیت خود می باشد. عمل افراد زیرمجموعه هر مدیر نوعی عملکرد خود مدیر محسوب می گردد. لذا او شریک اعمال مثبت و منفی مجموعه تحت مدیریت خود می باشد همچنین از آنجا که راضی به کاری، شریک آن کار است؛ مدیران موظفند منصوبان خود را از کج رویها و کارهای ناشایست منع کنند، حتی سکوت در برابر اعمال ناروای تحت مدیریت حداقل عرفاً اماره تأیید آن شناخته می شود.

۴- قدرت تصمیم گیری

از آنجا که:

- ۱- دانش مدیریت چیزی جز "فرایندی از تصمیم گیری ها" نیست.
- ۲- سبک مدیریتی هر مدیری را چگونگی تصمیم گیری و نوع تصمیم های او مشخص می کند و هر تصمیم مبتنی بر نوع و چگونگی اطلاعاتی است که به مدیر می رسد.
- ۳- یک تصمیم خوب آنست که نود درصد ارکانش بر اطلاعات و ده درصد آن بر قضاوت، بینش و درایت مدیر استوار باشد؛ لذا:

اولاً: اطلاعات که رکن محوری تصمیم سازی است، به عنوان یک واقعیت دارای ارزش نسبی است. زیرا ممکن است برای تصمیم گیرنده "الف" در یک موقعیت خاص موضوعی به عنوان "اطلاعات" محسوب شود و برای تصمیم گیرنده "ب" همان موضوع امر قابل توجهی تلقی نگردد.

ثانیاً: اگر مدیری در بخش هائی از کار خود دچار نوعی "بی اطلاعی" باشد، دچار خبط و خطای آشکار شده و از مسیر درست گمراه می شود. لذا "کانال های اطلاعاتی" نقش تعیین کنندگی و خط دهندگی می یابند. برای تصمیم سازی درست و مبتنی بر واقع لازم است منابع اطلاعاتی خود را پاکسازی، ممیزی و مرتب رصد نمائیم.

۵- غفلت ممدوح یا تغافل

گاهی باید به غفلت وانمود کرد. غفلت مذموم جائی است که زیانی متوجه حوزه و قلمرو مسئولیت می گردد. حقی ناحق یا باطلی احیاء می شود. کوچکترین قصور در این امور از یک سو ضعف و ناتوانی مدیر را می رساند و از سوی دیگر گناهی نابخشودنی است و چه بسا موجب ضررهای جبران ناپذیر گردد. اما آن جا که حق خود شخص است اگر انسان خود را به

تغافل بزند، ممدوح است. چرا که هر اندازه که جایگاه و موقعیت اجتماعی آدمی بالاتر رود، انتظار مردم از او بیشتر شده و حرف ها، تهمت ها و ایرادها نیز فزونی می یابد.

۶- طرد چاپلوسان

یکی از خطراتی که در کمین هر مدیر است، چاپلوسی افراد ابن الوقت و فرصت طلب است. معمولاً مدیرانی قربانی چاپلوسان می شوند که از شخصیت حقیقی خود غافل اند و بقای شخصیت خیالی خود را در تملق چاپلوسان و ثناگویان جاهل می دانند و به ناچار به آنان میدان می دهند.

۷- آگاهی از شرائط زمان

طبق کلام معصوم (ع): «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس» آن کس که به مقتضیات زمان آگاه شود، مورد هجوم اشتباهات نخواهد بود.

"زمان" و درک مقتضیات و شرائط زمانی عامل مهمی در تصمیم گیری درست است و کیست که نداند نهاد وکالت در زمان حاضر با چه خطرات، تهدیدات و طوفان های بنیان کنی مواجه است؟ فاعتبروا یا اولی الابصار

بزرگان علم اخلاق و عالمان این فن اوصاف و شرائط دیگری چون: شرح صدر، پرهیز از جاه طلبی، امین بودن، صداقت، شجاعت، توان و اقتدار، خفیف المؤمنه بودن، شور و مشارکت، شایسته سالاری و عدم تعصب، ساکت نبودن در برابر خلاف، پرهیز از تکبر، عدالت و مسئولیت، امیدبخشی، صبر و استقامت و غیره را برای قبول مسئولیت شرط دانسته اند که برای پرهیز از اطاله و اراده بر ایجاز به ذکر عناوین اکتفا می نمائیم.